



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان یزد

پژوهش و درسنامه نگارش و ویرایش (ادبیات ۱)

عنوان

تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام

استاد راهنما

سرکارخانم نخکش

محقق

فاطمه رحمانی دهنوی

آذرماه ۱۳۹۵

صلاة الاضلاع

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	تعاریف اجمالی از تربیت
۵	تربیت هدف بعثت انبیاء
۶	خالی بودن ذهن و قلب کودک و چگونگی برخورد با آن
۹	صحیح تربیت کردن کودکان
۱۰	شخصیت دادن و احترام کردن کودکان
۱۱	محبت فرزند
۱۳	آموزش ایمان و تقوا
۱۵	آموزش مراعات نظم و حقوق دیگران
۱۷	توصیه به ورزش و بازی
۱۹	نتیجه‌گیری
۲۰	منابع و مآخذ

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «اکرموا أولادکم و أحسنوا ادابهم یغفر لکم؛

فرزند خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید.»^۱

فرزند محبت و نعمتی است که خداوند به انسان ارزانی می‌دارد و زندگی او را سرشار از مهر و محبت و مسئولیت می‌کند، مسئولیتی بر مسئولیت‌های ما اضافه می‌شود. تربیت فرزند است که با توجه به حدیثی که در ابتدا ذکر شد اهمیت آن به خوبی روشن است و بر هیچ کس پوشیده نیست. فرزندان در ابتدای زندگی ذهن و قلب آنها خالی از هر چیزی است، ولی به این معنا نیست که آنها هیچ را نمی‌فهمند، بلکه آنها غریزه دارند و محبت کردن را می‌فهمند، همان طور که شیر خوردن را می‌فهمند و فطرت آنها پاک و بر توحید است. پس منظور از خالی بودن ذهن و قلب آنها، خالی بودن از علایق و چیزهای دنیا مادی است. و این لوح سفید به دست ما است که چگونه نقشی بر آن می‌کشیم.

پس ما باید بر این لوح سفید نقشی بکشیم که برگرفته از تعالیم اسلام باشد، یعنی برگرفته

از کلام وحی و پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام).

در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است:

«کل مولود یولد علی الفطره حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه؛ هر کودکی با فطرت توحید

متولد می‌شود، لیکن این والدین او هستند که کودک را یهودی یا مسیحی تربیت می‌کنند.»^۲

کلید واژه: تربیت، اسلام، محبت، رشد

۱ - میزان الحکمه، جلد ۱، ص ۱۰۳

۲ - الحدیث، جلد ۲، ص ۳۷۷

خداوند انسان را خلق کرد. این خلق خداوند همراه با برنامه، هدف و هدایت است و برای اینکه انسان بتواند به آن هدفی که خداوند برای او تعیین کرده است، برسد، نیاز به یک ابزار و راه مشخص دارد، راه برای او مشخص شده است، (صراط مستقیم) و ابزاری هم که در دست دارد عقل، فطرت و راهنما است؛ اما در این مسیر موانعی بر سر راه است که اولین و بزرگترین آنها شیطان است: «فقلنا یا آدم ان هذا عدو لك و لزوجك فلا یخرجنكما من الجنة فتشی»^۱

گفتیم ای آدم ببین شیطان دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند که نگویند بخت شوی، که اگر موانع دیگر را برشماریم از قبیل دوست داشتن انسان به مال، جاه و مقام و دنیاپرستی و غرایزی که در وجود انسان است که اگر آنها را کنترل نکند و زیاده‌روی کند، مانع رسیدن به هدف الهی می‌شود.

اما انسان به کمک آن راهنما می‌تواند از این موانع عبور کند و از این مسیر به سلامت به مقصد برسد و این راهنمایی که خداوند برای انسان گذاشته، پیغمبرانی بودند که حجت خدا و برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها در هر دوره‌ای آمدند و مختص به زمان خودشان بودند، مگر آخرین آنها یعنی پیغمبر اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که دین ایشان مختص به همه زمان‌ها، گذشته، حال و آینده است و بعد از ایشان جانشینان حضرت که خداوند آنها را معین کرده بود، راهنمایی و هدایت بشر را در دست دارند و روش و آیینی که حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که از طرف خداوند آوردند به نام اسلام است که در هر زمینه‌ای برنامه و راه و روش برای رشد و

۱ - سوره طه، آیه ۱۱۷

تعالی انسان از هنگام نطفه بودن تا مرگ دارد که اگر انسان‌ها این روش‌ها و برنامه‌ها را پذیرا باشند و به آنها عمل کنند، هیچ‌گاه به گمراهی کشیده نمی‌شوند.

پس ما در این مختصر نوشته بر آن شدیم تا گوشه‌ای از این روش‌های دین اسلام را بیان کنیم و آن هم در مورد روش‌های تربیت کودکان از نگاه اسلام است، که سفارش‌های زیادی در قرآن و روایات اهل (علیهم‌السلام) نسبت به تربیت کودکان شده است. تا بدین وسیله بتوانیم یک فرزند صالح و با ایمان و در نهایت یک جامعه‌ای سالم و با دین داشته باشیم.

ولی در حال حاضر در جامعه‌ی امروزی گاه‌آ دید می‌شود که این اصول کنار گذاشته شده است و کودکان را با روش‌ها و آئین‌هایی که هیچ‌سختی با اسلام و فطرت انسان ندارد، تربیت می‌کنند که در نهایت این کودکی که این چنین تربیت شده است اعمالی خلاف دین اسلام و انسانیت در جامعه‌ی اسلامی انجام می‌دهد. و این مهم انجام نمی‌شود مگر با دانستن و به کار گیری این روش‌ها و ما سعی‌مان بر این است تا روش‌ها را به صورت تخصصی جمع‌آوری کرده تا بشود گوشه‌ای از این خلل‌ها را پر کرده باشد که موجب رضایت حق تعالی و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف) گردد.

تعاریف اجمالی از تربیت

الف. تربیت اسلامی عبارت است از ساختار روشنگری و آماده سازی شخصیت انسانی، طبق برنامه‌ی اسلام و اهداف آن در زندگی. معروف است که انسان هنگام تولد مثل زمین بکر آماده کشتزار است و استعداد پذیرش علوم و معارفی که شخصیت و رفتار او را بسازد، در درون او نهفته است. به همین جهت اسلام این مسأله را بسیار مهم دانسته است؛ زیرا کودک حتی روز تولدش می‌شنود و درک می‌کند. به همین دلیل است که خواندن اذان و اقامه را در گوش کودک سفارش کرده‌اند. و این نیست مگر به خاطر اینکه کودک قدرت بر پذیرش و ضبط این کلمات نورانی را در نهاد خود دارد.^۱

ب. تربیت یعنی پرورش رشد دادن استعدادهایی که آفریدگار جهان در وجود انسان جهت سعادت و کمال او به ودیعه و امانت گذاشته است. پس با توجه به این تعریف کسی که امور تربیت را برعهده می‌گیرد، باید چند چیز را مد نظر و دقت قرار دهد:

۱. تربیت کننده باید هدف معین و مشخص و علاقه کافی و آگاهی کامل به اهمیت و ارزش تربیت داشته باشد و در این صورت است که می‌تواند این مسئولیت مقدس را بپذیرد.
۲. از تجربه‌ها و اطلاعات لازم بهره‌مند باشد و از اصول و مبانی تربیت آگاهی و عالم و خودش هم از فضائل اخلاقی و مزایای تربیتی برخوردار باشد.

۱ - اخلاق اسلامی، جلد ۱، ص ۳۲

۳. تربیت کننده نسبت به موقعیت فرد یا افراد مورد تربیت و استعداد‌های جسمی و روحی آنها آشنایی کامل داشته باشد.

۴. مربی وضع و شرایط محیطی که در آن زندگی می‌کند و نیازهای اساسی آینده جامعه و فعالیت‌هایی که متناسب با آن نیازها به کار می‌رود را باید بشناسد.

۵. کار و فعالیت مربی باید با برنامه ریزی حساب شده و متوجه هدف‌های صحیح و مطلوب جامعه و متکی به روش مناسب این هدف‌ها باشد.

۶. مسئول تربیت برای پیشبرد اهداف مقدس تربیت ناگزیر است وسایل کار برای خود و افراد مورد تربیت، متناسب با شرایط و امکانات زمان داشته باشد؛ زیرا می‌داند که هیچ کاری بدون وسیله مناسب خود به انجام نمی‌رسد. مثلاً برای کندن باغچه باید از بیل که وسیله این کار است، استفاده کرد، نه از پارو که وسیله پارو کردن برف است.

۷. مربی آگاه باید بکوشد تا یک جامعه آگاه و پایدار و استوار و یک جامعه مترقی و مستقل و رو به پیشرفت و از همه مهمتر یک جامعه اسلامی مؤمن و متعلق به اخلاق اسلامی و خدمتگذار را تربیت کند.^۱

تربیت هدف بعثت انبیاء

«ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم انک انت العزیز الحکیم؛ پروردگار در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی.»^۲

۱ - راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، ص ۱۰ - ۱۱

۲ - سوره بقره، آیه ۱۲۹

چنانچه از این آیه شریف بر می‌آید تربیت هدف بعثت انبیاء بوده است. پس تربیت این قدر مهم و ارزشمند بوده که هدف بعثت پیامبران قرار داده شده است و بهترین زمان تربیت، دوران کودکی است. در این دوره کودک همانند خشت خام است که هر نقشی را بر خود می‌گیرد. از این رو سفارش بسیاری برای تأدیب و تربیت کودکان در این دوره بیان شده است.

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام) سفارش می‌کند که این زمان (کودکی) بهترین زمان تربیت و تأدیب کودکان است. چنان که شیوه و سیره تربیت آن حضرت این بوده که در کودکی اقدام به تربیت و تأدیب فرزندانش کرده است. آن حضرت در وصیت به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: «دل نوجوان مانند زمین کشت نشده است، آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو بیش از آنکه دلت سخت گردد و عقلت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم.»^۱

خالی بودن ذهن و قلب کودک و چگونگی برخورد با آن

کودکان در ابتدای زندگی خود فاقد هر گونه فکر و ادراکی هستند، ولی یک چیز آنها کامل است و خوب آن را می‌فهمند و آن احساس است. خداوند در مورد خالی بودن ذهن کودکان در قرآن کریم می‌فرماید: «والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا؛ خداوند شما را از شکم‌های مادران‌تان خارج کرد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید.»^۲ کلام خداوند از خالی بودن ذهن و قلب کودکان از هرگونه آگاهی و ادراک می‌باشد. به تدریج که کودکان رشد می‌کنند، اطلاعات و ادراکات محیطی ذهن او را فرا می‌گیرند.

۱ - نهج البلاغ، نامه ۳۱، ص ۳۷۳

۲ - سوره نحل، آیه ۷۸

در زمینه سرعت انتقال ادراکات و یادگیری به ذهن و قلب کودک، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وإنما قلب الحدث كالارض الخاليد، مالبقي فيها من شيء قبلته؛ قلب نوجوان نوره مانند زمین خالی است، هر تخمی که در آن افشاندن شود به خوبی می‌پذیرد.»^۱

اسلام مکتب تربیت است و والدین را به تربیت نیکوی خود و فرزندان‌شان ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«يا ايها الذين آمنوا قوا أنفسكم و أهليكم نارا؛ ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.»^۲

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «علموا أنفسكم و أهليكم الخير و أدبهم؛ یعنی به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید.»^۳

با توجه به این آیه، اهمیت تربیت فرزندان به خوبی آشکار می‌شود. فرزندان که تحت سرپرستی والدین قرار می‌گیرند امید می‌رود که اگر به خوبی تربیت شوند، بتوانند افراد مفیدی برای خود و جامعه قرار گیرند؛ زیرا تربیت فرزندان می‌تواند بهترین هدیه از سوی والدین برای فرزندان محسوب شود.

حضرت امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بهترین میراث پدران برای فرزندان ادب است نه مال و ثروت، زیرا ثروت از میان می‌رود و ادب پایدار می‌ماند.»^۴

کودکی که در خانواده با ایمان تربیت شده باشد، دارای ارزش والایی است؛ زیرا زندگی انسان بر اساس تربیت صحیح استوار است و اگر کودکی صحیح تربیت شود بدون تردید می‌تواند

۱ - تحف العقول، ص ۶۷

۲ - سوره تحریم، آیه ۶

۳ - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۰۳

۴ - همان، ص ۱۰۱

فردی صالح و شایسته برای جامعه قرار گیرد. تربیت خوب فرزند بدون تردید دارای اجر اخروی نیز برای والدین می‌باشد؛ زیرا اثر فرزند صالح پس از مرگ والدین همواره به آنها می‌رسد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند:

«هر کس دختر داشته باشد و او را خوب تربیت کند و به خوبی او را دانش بیاموزد و از نعمت‌هایی که خداوند به او عطا فرموده به وفور بهرمنندش سازد، آن دختر مانع و سپر پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود.»^۱

معروف‌ترین طبقه بندی مراحل تربیت کودکان توسط امام صادق (علیه‌السلام) ارائه گردیده است. آن بزرگوار به طور اجمالی در این روایت تمام مسائل رشد جسمی، روانی، عاطفی و شخصیتی را مورد توجه قرار دادند.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«کودک خود را رها کن تا هفت سال بازی کند، سپس او را به مدت هفت سال تربیت کن و به مدت هفت سال دیگر مشاور و ملازم خود قرار بده، اگر در این امر موفق گشتی چه بهتر، و در غیر این صورت هیچ خیر و ثمری در او نخواهد بود.»^۲

در این روایت امام صادق (علیه‌السلام)، مراحل تربیتی کودک را تا رسیدن به مرحله جوانی به سه مرحله هفت ساله طبقه بندی می‌کند. هر کدام از این مراحل دارای ویژگی خاص می‌باشد که بر اساس رهنمودهایی از سوی آن بزرگوار توصیه گردیده است. با آگاهی از این رهنمودهای ارزشمند، می‌توان انتظار داشت که والدین و مربیان بتوانند آنچنان که شایسته است، فرزندان را تربیت کنند که فردی لایق برای خود و جامعه و خانواده خود باشند.^۳

۱ - همان، ص ۱۰۵

۲ - میزان الحکمه، ص ۱۰۵

۳ - تربیت فرزند از دیدگاه مکتب اسلام، صص ۷۴-۷۲

صحيح تربيت کردن کودکان

پيشوايان گرامی اسلام علاوه بر اين که در بيانات خود راه پرورش صحيح کودک را به مردم آموخته‌اند، عملاً نيز آن برنامه‌ها را در مورد تربيت فرزندان خود به کار برده و آنان را با بهترين صفات پسندیده پرورش داده‌اند. برای مثال، روش‌های عملی رسول اکرم (صلی‌الله‌عليه‌وآله) و ائمه معصومين (عليهم‌السلام) در احیای شخصیت کودکان را ذکر می‌کنيم:

علی بن ابی‌طالب (عليه‌السلام) در کودکی در دامن پرمهر پیامبر (صلی‌الله‌عليه‌وآله) تربيت شده و تمام صفات عالیہ انسانی را از رهبر عالیقدر اسلام فرا گرفته است. زندگی درخشان و سراسر افتخار آن حضرت بهترین گواه حسن تربيت او در دوران کودکی است.

یکی از صفات بارز علی (عليه‌السلام) شخصیت و استقلال از نظر جسم و جان یک کودک عادی نبود و در وجود ممتاز آن حضرت استعداد و شایستگی مخصوص وجود داشت، ولی مراقبت‌های مستقیم رسول اکرم (صلی‌الله‌عليه‌وآله) در آشکار نمودن قابلیت‌های درونی آن حضرت دارای نتایج فوق العاده مهم بود.

روزی که آن حضرت به نبوت مبعوث شد، علی (عليه‌السلام) کودک ده ساله‌ای بود، ولی شخصیت یک انسان کامل را داشت. نبی اکرم (صلی‌الله‌عليه‌وآله) اسلام را به وی عرضه کرد و او را به پذیرش این آیین آسمانی دعوت نمود و با این عمل شایستگی و شخصیت بزرگ آن حضرت را تأیید فرمود. علی (عليه‌السلام) نيز با واقع بینی و درایت کامل به دعوت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌عليه‌وآله) توجه کرد و در کمال آزادگی و استقلال به ندای آن حضرت جواب مثبت داد.

اغلب حوادث سهمگین و شکست‌های سخت زندگی روحیه مردان باشخصیت را درهم می‌شکند، خود را می‌بازند و دچار زبونی و حقارت می‌شوند. وی در ایام قبل از هجرت با آن که بزرگترین طوفان وحشت در سر راه اسلام و مسلمین پدید آمد و امواج شکننده آن همه چیز و همه کس را تهدید می‌کرد، علی بن ابی‌طالب (عليه‌السلام) جوان نیرومند اسلام هرگز خود را نباخت

و به شخصیت آهنین او کمترین آسیبی نرسید. این اثبات و استقامت، صرف نظر از شایستگی فطری علی (علیه‌السلام) به خاطر تربیت‌های عمیق و نافذ مربی ارجمندش حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود که او را این چنین نیرومند و با شخصیت بار آورده است. امام حسن و حسین (علیهم‌السلام) نیز از مزایای بهترین تربیت برخوردار شدند و در کودکی از جد گرامی و پدر و مادر ارجمند خود تمام کمالات را فرا گرفتند.^۱

شخصیت دادن و احترام کردن کودکان

حضرت علی (علیه‌السلام) مکرر در حضور مردم از فرزندان خود پرسش‌های علمی می‌کرد. گاهی جواب سؤالات مردم را به آنان محول می‌فرمود. یکی از نتایج درخشان این عمل، احترام به کودکان و احیای شخصیت آنان بود.

روزی علی (علیه‌السلام) از فرزندان خود، حضرت امام حسن و حسین، در چند موضوع سؤالاتی کرد و هریک از آنان با عباراتی کوتاه، جواب‌های حکیمانه دادند. سپس حضرت علی (علیه‌السلام) متوجه (حارث اعور) که در مجلس حاضر بود، گردید و فرمود: این سخنان حکیمانه را به فرزندان خودتان بیاموزید، زیرا موجب تقویت عقل و اندیشه آنان می‌گردد.

پدري که با فرزندان خود چنین رفتار کند و سخنان آنها را سرمشق فرزندان جامعه قرار دهد، با این عمل از آنان به بهترین وضعی احترام کرده و بزرگترین شخصیت و استقلال را در ضمیرشان ایجاد نموده است.^۲

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید:

۱ - گنجینه معارف (۲)، صص ۱۸۷ و ۱۸۸

۲ - گنجینه معارف (۲)، ص ۱۸۹

«فرزند شایسته دسته گلی از جانب خداوند است که میان بندگان قسمت می‌کند.»^۱

برای رسیدن به چنین موهبت عظیمی شایسته است که والدین با آگاهی تمام با تربیت صحیح کودکان راه را برای رسیدن به چنین مرحله‌ای بگشایند. مهم‌ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندان‌شان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی‌هایش خوار و خفیف جلوه ندهند.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «همان‌گونه که فرزند نباید به والدین خود بی‌احترامی

کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی نمایند.»^۲

احترام به حقوق فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا که دارای حقوق اجتماعی هستند، آنان می‌آموزند که در آینده فردی عدالت خواه تربیت شوند. بدین جهت لازم است والدین در میان آنها به عدالت رفتار نمایند تا این خصیصه در رفتار آینده آنان جلوه‌گر شود.

آن بزرگوار در کلامی دیگر می‌فرماید:

«میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید، همچنان که دوست دارید آنان نیز

در احترام و محبت میان شما عادلانه عمل کنند.»^۳

محبت فرزند

شاید اکثر مردم خیال کنند که دوران تربیت کودک از وقتی آغاز می‌شود که خوب و بد را درک کند و اهل رشد و تمیز باشد و قبل از آن تربیت مؤثر نیست، و کودک تحت تأثیر عوامل

۱ - میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۸۵

۲ - همان، ص ۷۱۰۹

۳ - میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۸۹

خارجی واقع نمی‌گردد. اما این عقیده درست نیست؛ زیرا به تصدیق دانشمندان فن تربیت، تربیت و پرورش کودک از همان آغاز تولد او باید شروع گردد. چگونگی دوران شیر خواری حوادث و رفتار پدر و مادر تا حدودی در پرورش نوزاد تأثیر دارد و شخصیت آینده او از همین ایام شروع می‌شود.

در نزد دانشمندان فن تربیت و روانشناسان، این مطلب به اثبات رسیده که اطفال در تمام دوران کودکی، به محبت و اظهار علاقه نیاز دارند. کودک می‌خواهد پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. کودک چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ، لباس و خوارکش اغلاست یا نه. اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که دوستش دارند یا نه. این احساس درونی کودک را چیزی جزء اظهار محبت و نوازش ارضاء نمی‌کند. سرچشمه اخلاق و شخصیت آینده او، همین اظهار محبت‌هاست. همین آغوش گرم مادر و نوازش‌های مخلصانه‌ی پدر است که روح بشر دوستی و علاقه‌ی به هم‌نوع را در کودک می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌سازد. پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او بشمار می‌رود و برای پرورش او ضرورت دارد.

محبت در خانه حضرت زهرا (علیهاالسلام) به طور کامل وجود داشت و پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عملاً آن را به فاطمه یاد می‌داد. پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گاهی به حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌فرمود: حسن و حسن را بیاور، وقتی آنان را خدمت آن حضرت می‌برد، آنها را به سینه می‌چسبانید و مانند گل می‌بوید.^۱

عشق و علاقه به فرزند به طور فطری در وجود انسان قرار داشتند و از تمایلات طبیعی او به شمار می‌رود که (غریزه بقای نوع) نامیده می‌شود. اسلام نیز از فطرت انسانی غفلت نکرده است

۱ - بانوی نمونه اسلام، صص ۸۵-۸۶-۸۸

و در ماجرای زکریای پیامبر، طبیعت انسان را در عشق و علاقه به فرزند و راه دستیابی به آن را برایمان ترسیم نموده که زکریا بهترین الگو و سرمشق در این زمینه است.

حضرت زکریا پیر و سالخورده بود و دوران بارداری همسرش سپری شده بود، ولی با این وصف حضرت زکریا با دعاهای خود از پیشگاه پروردگار خویش درخواست نمود که فرزندى شایسته به او عنایت کند و او را این گونه خواند «رب هب لی من لدنک ذریه طیبه»، ما این گونه باید از خداوند فرزند بخواهیم، و علاقه‌مند به داشتن فرزندانى پاک باشیم و بتوانیم آنان را به نحوی شایسته تربیت کنیم و در گفتار و کردار برای آنها بهترین الگو و سرمشق باشیم تا در زندگی برایمان فرزندانى نیکو و در سختی و دشواری‌ها یار و یاورمان و پس از مرگ ذخایری شایسته برای ما باشند، که از دعاهای خیر آنها بهره‌مند گردیم.

لذا رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«انسان که از دنیا برود، دستش از همه چیز کوتاه است به جز سه چیز: صدقه‌ی جاریه و علم

و دانشی که مردم از آن بهره‌مند گردند و فرزند شایسته‌ای که در حق او دعا کند.»^۲

آموزش ایمان و تقوا

مربیان می‌توانند موضوعات و مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند، و آنان را وادار کنند که اعمال و برنامه‌های آسان دین را انجام دهند تا گوششان با مطالب دینی آشنا شود و با اعمال و افکار دینی نشو و نمو پیدا کنند. اسلام دستور می‌دهد که کودکان را از سن هفت سالگی به نماز وادار کنید.

۱ - سوره آل عمران، آیه ۳۸

۲ - همراه با پیامبران در قرآن، ص ۴۲۳

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تلقینات دینی را از همان اوایل کودکی و شیرخوارگی در خانه‌ی زهرا به مرحله اجرا درآورد. هنگامی که امام حسن (علیه السلام) به دنیا آمد و او را خدمت رسول اکرم بردند، وی را بوسید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و درباره امام حسین (علیه السلام) نیز همین عمل را انجام داد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) در موقع بازی با اطفال نیز به آنها درس شجاعت و دفاع از حق و پرستش خدا می‌داد و در همین جمله‌های کوتاه چهار نکته حساس را به آنان القا می‌کرد؛ مانند پدرت شجاع و خداپرست باش، از حق دفاع کن، خدا را پرستش کن، با افراد کینه توز دوستی مکن.^۱

در قرآن کریم آمده است:

«فتقبلها ربها بقرول حسن و أنبتها نباتا حسنا و كفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم أنى لك هذا قالت هو من عند الله إن الله یرزق من یشاء بغير حساب؛ پس پروردگارش او را به پذیرش نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رو باند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم حاضر می‌شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می‌یافت، می‌پرسید: ای مریم، این (رزق تو) از کجاست؟ مریم در پاسخ می‌گفت: آن از نزد خداست، همانا خداوند به هر کسی که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد.»^۲

کسی که در راه خدا گام بردارد، دنیای او نیز تأمین می‌شود، مادر مریم فرزندش را برای خدا نذر کرد، خداوند در این آیه می‌فرماید: هم جسم او را رشد دادیم و هم سرپرستی مانند زکریا برای او قرار دادیم و هم مائده آسمانی بر او نازل کردیم.

رزق بی‌حساب به معنای حساب و کتاب نداشتن نیست، بلکه به معنای خارج بودن از محاسبات عمومی است «یرزق من یشاء بغير حساب». مادری مانند مریم، محل تربیتی مثل

۱ - بانوی نمونه اسلام، ص ۹۲-۹۳

۲ - سوره آل عمران، آیه ۳۷

مسجد و سرپرستی همچون زکریای پیامبر و با تغذیه‌ای بهشتی، محصولش فرزندی چون عیسی (علیه‌السلام) می‌شود. پس عواملی که در ایمان و تقوا تأثیر می‌گذارند و باعث تربیتی نیکو می‌شود عبارتند از: روح پاک مادر (تقبلها ربها بقول حسن)، جسم سالم (نباتا حسنا)، تعلیم و تربیت الهی (کفلها زکریا)، تغذیه پاک (وجد عندها رزقا).^۱

آموزش مراعات نظم و حقوق دیگران

یکی از مطالبی که باید همواره مورد توجه و دقت پدر و مادر و سایر مربیان قرار گیرد این است که مراقب کودک باشند که از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد. نظم در زندگی را باید به او یاد داد، باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حق خودش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند.

البته شالوده‌ی این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می‌شود. اگر کودک دید در خانه‌ی خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می‌شود، می‌فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمرد، اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد، خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می‌شود.^۲

این درس تربیتی به طور کامل در خانه‌ی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) اجرا می‌شد. به قدری در این باره دقت می‌شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد مراعات می‌کردند.

از باب نمونه: علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«روزی پیغمبر اکرم در منزل ما استراحت کرده بود، حسن آب خواست. رسول خدا برخاست قدری شیر دوشید و در ظرفی کرده و دست امام حسن (علیه‌السلام) داد. امام حسین

۱ - دقایقی با قرآن (بر اساس تفسیر نور)، صص ۲۸۳-۲۸۴

۲ - تربیت فرزند از دیدگاه مکتب اسلام، ص ۱۲۱

(علیه‌السلام) از جای خودش بلند شد، خواست کاسه‌ی شیر را از حسن بگیرد. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) که این منظره را تماشا می‌کرد، فرمودند: یا رسول‌الله، گویا حسن را بیشتر دوست داری؟ پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از حسن (علیه‌السلام) این است که او حق تقدم دارد و زودتر از حسین (علیه‌السلام) تقاضای آب کرده، باید نوبت را رعایت نمود.^۱

چگونگی رفتار با فرزندان به عدالت و مساوات درسی است که ما از داستان یوسف (علیه‌السلام) می‌آموزیم. کودک طبیعتاً دارای صفت حسادت است و نیاز به مهربانی و محبت پدر و مادر خود دارد، هر گونه کوتاهی در امر او و مراعات نکردن احساسات، در او حسد و کینه نهانی به برادرانش را ایجاد می‌کند. کینه و حسادت بین برادران زود پدیدار می‌شود و گاهی که پدر و مادر یکی از فرزندان را بر دیگری ترجیح می‌دهند، سبب بروز دشمنی بین آنان می‌شود که با گذشت زمان به قطع ارتباط بین خانواده می‌انجامد.^۲

یوسف بسیار مورد علاقه و محبت پدرش یعقوب بود؛ زیرا یعقوب علایم و نشانه‌های پیامبری را در او می‌دید، به همین دلیل او را بر سایر برادرانش ترجیح می‌داد. همین قضیه سبب برانگیخته شدن بغض و کینه آنها شد و نشانه‌های آن نیز پدیدار گشت. این ماجرا و الهاماتی که در مورد عظمت و جاه و مقام یوسف به یعقوب شده بود، یعقوب (علیه‌السلام) را بر آن داشت که به وی هشدار دهد که آن را برای برادران خود بازگو نکند،^۳ و به او گفت: «یا بنی لاتقصص رویاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدا»^۴

۱ - بانوی نمونه اسلام، صص ۹۵-۹۶

۲ - تربیت فرزند از دیدگاه مکتب اسلام، ص ۱۲۶

۳ - همراه با پیامبران در قرآن، صص ۴۲۳-۴۲۴

۴ - سوره یوسف، آیه ۵

پس رعایت کردن عدالت بین فرزندان باعث می‌شود که آنها به حقوق دیگران احترام بگذارند و متصرف حقوق بقیه نشوند و این نکته را باید پدر و مادر در کانون خانواده پیاده کنند تا فرزندان‌شان به همین روش بزرگ شود و در آینده فردی عادل و دادگر باشد.

توصیه به ورزش و بازی

دانشمندان فن تربیت توصیه می‌کنند که باید اطفال را آزادی داد تا بر طبق دلخواه بازی کنند، بلکه باید وسایل و اسباب بازی و تفریح سالم را برای آنها فراهم ساخت.

اخیراً در جهان به اصطلاح متمدن، این موضوع مورد توجه واقع شده و در کودکانها و دبستانها و دبیرستانها، انواع وسایل بازی و تفریح سالم را مطابق با سن کودکان و نوجوانان برایشان فراهم می‌سازند و آنها را به بازی‌های دسته جمعی تشویق می‌کنند و به اثبات می‌رسانند که بازی چنانکه در رشد بدنی اطفال لازم است، برای تربیت روحی آنان نیز تأثیر بسزایی دارد. پدر و مادر نه تنها باید کودک را در بازی کردن آزاد بگذارند، بلکه خودشان نیز باید در مواقع بیکاری با آنان بازی کنند. زیرا بازی کردن با پدر و مادر برای اطفال بسی لذت بخش است و آن را از علائم محبت می‌شمارند.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با حسن و حسین (علیهم‌السلام) بازی می‌کرد. ابوهریره می‌گوید: دیدم که رسول خدا دست حسن و حسین (علیهم‌السلام) را گرفته بود و پاهایشان را روی پای آن حضرت قرار داشت و به آنان می‌فرمود: نور دیدگان فاطمه بیاید بالا، پس حسن و حسین (علیه‌السلام) بالا آمدند تا پاهایشان به سینه‌ی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید. پس لبش بر لبهای آنان گذاشت و می‌بوسید و می‌فرمود: خدا یا حسن و حسین را دوست دارم.^۱

۱ - بانوی نمونه اسلام، ص ۹۶-۹۷

بازی برای کودک درس دیگری از زندگی است. البته مناسب با استعداد او. طفل از بازی تعلیم می‌گیرد و با بازی تربیت می‌شود و رشد می‌کند. شاید بعضی پدران و مادران بازی را برای طفل امری بی‌ارزش و بیهوده می‌پندارند، ولی حقیقت مطلب غیر از این است. بازی برای طفل کار است و شغل اساسی او در سنین طفولیت است. همان طور که بزرگترها به سرکار می‌روند، کودک هم به کار و شغل خود می‌پردازد. پدر و مادر از همان سال‌های اول کودکی باید محیط مساعد و آزاد به کودک دهند، گرایش‌ها و استعدادها و حالات او را شناسایی کنند، تا اگر نقصی در کار او دیدند، در رفع آن بکوشند.^۱

۱ - تربیت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، ص ۱۶

نتیجه‌گیری

عشق و علاقه به فرزند به طور فطری در وجود انسان قرار دارد و از تمایلات طبیعی او بشمار می‌رود، و اسلام هم به این فطرت انسان توجه کرده است و طبیعت انسان را در عشق و علاقه به فرزند و راه رسیدن به آن را ترسیم نموده است.

پس ما باید از خداوند درخواست فرزندانی صالح و پاک نماییم و به داشتن فرزندانی پاک علاقمند باشیم، و بتوانیم آنها را به نحو شایسته تربیت کنیم (یعنی تربیت با تعالیم اسلام ناب). پس فرزندی که با تعالیم قرآن و سیره نبوی و اهل بیت (علیهم‌السلام) بزرگ شود، دارای روحی بزرگ و یک انسان بامحبت و با ایمان و باتقوا می‌باشد و شخصیتش آنچنان شکل گرفته که رعایت نظم و حقوق دیگران را می‌نماید. پس چنین شخص سالمی هم برای والدین خود یک ذخیره شایسته است که در حق آنان دعا می‌کند و یار و یاورشان می‌باشد و هم برای جامعه‌ی خود می‌تواند مفید واقع شود.

* قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشهای، قم، مرکز نشر قرآن کریم.

* امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم،

انتشارات اتقان، ۱۳۸۹ ش

۱. ابن شعبه الحرانی، حسین، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی،

۱۳۸۴ ش

۲. ادیب، علی محمدحسین، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، ترجمه دکتر

سیدمحمد رادمکش، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه انجام کتاب، ۱۳۷۲ ش

۳. امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، قم، انتشارات شفق، چاپ اعتماد، ۱۳۸۸ ش

۴. ثاله فر، تقی، تربیت فرزند از دیدگاه مکتب اسلام، چاپ اول، زنجان، انتشارات نیکان

کتاب، ۱۳۸۴ ش

۵. رحمتی شهررضا، محمد، گنجینه معارف ۲ (۱۱۰ موضوع)، چاپ سوم، قم، انتشارات

صبح پیروزی، ۱۳۸۸ ش

۶. عفیف عبد الفتاح طباره، همراه با پیامبران در قرآن، ترجمه حسین خاکسارن و عباس

جلالی، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش

۷. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث، قم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش

۸. قرائتی، محسن، دقایقی با قرآن (براساس تفسیر نور)، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز بین

المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۰ ش

۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم،

انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش

۱۰. هیئت، محمد امین، اخلاق اسلامی، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات دارالانصار، ۱۳۸۵ ش

ردیف	نام منابع	مترجم	مرکز نشر
۱	قرآن کریم	مهدی الهی قمشه ای	قرآن کریم
۲	نهج البلاغه	محمد دشتی	انتشارات اتقان
۳	گنجینه معارف	رحمتی	انتشارات صبح پیروزی
۴	اخلاق اسلامی	محمد امین	انتشارات دارالانصار



فرزند شایسته دسته گلی از جانب خداوند است